

صالحه جان وهاب واصل، مقدم شما شاعره شیرین سخن و نویسنده توانا را در «کانون هماهنگی زنان در فیس بوک» خوش آمدید میگویم.

سؤال: لطفاً خود را مختصر معرفی نمایید.



پاسخ: من صالحه وهاب واصل بنت الحاج محمد غوث واصل در 1960 م در شهر کابل چشم دنیا گشودم. بعد از گذشتادن دوره ابتدائیه، دوره تعلیمات عالی را در لیسه زرغونه به اتمام رسانیده و بقیه تحصیلاتم را با درجه مافوق لیسانس در رشته تجارت و مارکیتنگ بدست آوردم. از سال 1989 نظر به وخامت اوضاع سیاسی در کشور مانند هزاران هموطنم مجبور به مهاجرت شدم که مدت 23 سال اخیر را در کشور هالند بسر میبرم، اینجا نیز به کسب تحصیلات پرداختم و در رشته های مختلف نرسنگی تا درجه کدرنرس، حساب داری کمپیوتری و عملی، دفترداری و شناخت کمپیوتر کوشیدم و افتخار داشتن دیپلوم و یا شهادتنامه های آنها را بدست آوردم که از مدت 17 سال به این سو به حیث کدر نرس در شفاخانه های مختلفه هالند ایفاء وظیفه میکنم.

سؤال: علاوه بر وظیفه اصلی تان مصروف کدام فعالیت های رضاکارانه میباشید؟

پاسخ: علاوه بر آن من همیشه در صدد خدمت به کشور و هموطنانم خاصاً خواهران افغانم بوده و به شکل افتخاری با انجمن های مختلف زنان، و نهاد های فرهنگی دیگر خارج از کشور افتخاری و بدون مزد همکاری کرده و میکنم، مدت پنج سال را با مجله بانو که نشریه زن است و از اطریش به نشر میرسد همکار بودم دوسال به صفت مدیر مالی و سه سال اخیر را من حیث مدیر مسؤول آن مجله و فعلاً سمت ریاست کمیسیون زنان اتحادیه سرتاسری مهاجرین افغان (UVAVIN) در اروپا را باز هم افتخاری عهده دار میباشم.

سؤال: شما یکی از چهره های شناخته شده در بین فرهنگیان کشور به خصوص در خارج کشور هستید، میتوانید بگویند که هدف اصلی کار های ادبی و هنری تان را چه تشکیل میدهد.

پاسخ: بدرجه اول هدف از این همه فعالیت های فرهنگی و ادبی بنده، خدمت حد اقل نهفته در واقعیت بسی گسترده، برای فرهنگ و ادب کشورم می باشد.

در ثانی تبارز استعداد به میراث برده از شادروان پدرم را که خداوند به من اهداء کرده بود و حفظ آن از نابودی نا آگاهانه. تا نشود خفه کردن همچو استعدادی که مایه دارایی فرهنگی مردم محسوب میشود روزی از جانب ادب دوستان افغان جفای فرهنگی تلقی گردد.

سؤال: به حیث یک فعال زن میتوانید با دو جمله بگویند که چرا در این راستا کار مینمایند؟

پاسخ: با آنکه اختصار پاسخی به این عظمت در محدوده دو جمله کار ساده نیست اما؛ سعی میکنم با حرمت گزاری به شما و سؤال شما چنین تنظیمش کنم که:

- برآورده سازی آرمانهای نهفته در خاک خواهران ستم کشیده ما که عمر هاست برای بدست آوردنش جان های شیرین شان را قربان کرده اند.
- ثابت سازی وجود زن افغان به صفت یک انسان در انظار مردان افغان در افغانستان و جهان و انظار جهانیان.

سؤال: برای رفع چند پارچگی و پراکندگی جنبش زنان افغانستان شما چه نوع پیشنهاد مشخص دارید.

از نظر من یکپارچگی و همبستگی زنان افغانستان، چه در داخل و چه در خارج از کشور، زمانی میتواند به کرسی نشیند و محصول نتیجه مثبت و قابل اعتماد شود که تمام نهاد ها و ارگان های فعال درین عرصه، یک مسیر و جهت معین کاری را تعقیب کرده برای همدیگر پشتوانه قوی و مستحکمی باشند.

سؤال: پس چگونه میتوان به آن نایل آمد؟

پاسخ: این همه ارگان های فعال در نقاط مختلف جهان و افغانستان میتوانند زیر نام «همبستگی زنان افغانستان» که یک نقطه مرکزی باشد و دارای شاخه های مختلف کاری در جهات مختلف است، فعالیت کنند. اما؛ در کل تمام این ارگان ها وابسته به نقطه هستوی نهاد مرکزی میماند. مثلاً این نهاد مرکزی «همبستگی زنان افغانستان» میتواند فعالیت هایش را نظر به پلان کاری همه جانبه در حلقه های مختلف تقسیم بندی کند و هر حلقه را نظر به اعضای کارشناس مشمول در ارگان مربوط شان به وظایفی محول سازد که امید حاصل نتیجه ثمر از آن میرود. بطور مثال: یکی ازین ارگان ها فقط مسائل تحصیلی و آموزش را عهده دار باشد، ارگان دیگری مسائل کاریابی برای زنان را، ارگان دیگری راهنمایی های تربیت طفل را برای مادران، ارگان دیگری آموزش روش اجتماعی، ارگانی هم آموزش های آگاهانه دینی را، ارگان دیگری مسائل سپورت و ورزش و امثالهم.

در هر سه و یا شش ماهی نهاد مرکزی گزارشی از کار کرد های این ارگان ها به طور جداگانه ترتیب کرده بعد از بررسی عمومی و تخصصی راهنمایی های لازم به ارگان ای مربوط توسط این کارشناسان نهاد هستوی و مرکزی ابلاغ گردد. که موفقیت شان تقدیر و ناموفقیت شان تصحیح و راهنمایی علمی و تخنیکی میگردد.

سؤال: به نظر شما ضرورت همبستگی زنان افغانستان از کجا ناشی میگردد.

پاسخ: از نظر من این ضرورت عینی منشأ می گیرد از نتایج نا مطلوب، فعالیت های نامسؤولانه و غیر تخصصی تعداد کثیر نهاد های مختلفه فعال در افغانستان و سراسر جهان که با وجود صرف وقت و انرژی و پول نه چندان کافی، تا اکنون نتوانسته اند این همبستگی را سازماندهی نموده استحکام آینده سازی را در کار شان اساس گذاری نمایند. خاصتاً در همین یک دهه اخیر که یک مقدار چشمگیر پول از شرق و غرب در داخل افغانستان سرازیر شد و نهاد های مختلف تلاش کردند ازین امکان طلایی استفاده برده، کاری را برای زنان انجام دهند، اما چون فعالیت ها تخصصی و تحت نظر کارشناسان تحصیل کرده درین عرصه ها نبود و همچنان این فعالیت ها منحصر به یک گروه کوچک و به شکل پراکنده انجام شده که نتیجه چندان مثبتی نداده است. روی این ملحوظ به اساس تحقق و تعمق چندین ساله، ضرورت همچو یک همبستگی سرتاسری افتاده است و من منحیث یک زن افغان فعال درین راه این قدم را آغاز یک گام بسیار مستحکم در آینده زن افغان میبینم.

سؤال: کدام علل نقش اساسی را در پراکندگی زنان و سازمانهای زنان بازی مینمایند. آیا میشود آنها را به طریقی رفع نمود؟

پاسخ: به عقیده من یکی از اساسی ترین علل این پراکندگی دوری راه هاست که منحبث یک خط درشت فاصل، میان این سازمانها قرار گرفته است و علت دیگر هم عدم آگاهی از کنه اهداف کاری همدیگر که مبنی بر عدم برقراری روابط کاری و همکاری در میان، ایجاد گردیده است.

طبعاً همانگونه که هیچ چیزی در جهان نا ممکن نیست، رفع این معضله هم از امکان دور نبوده درین عصر پیشرفت تکنالوجی، به بهترین وجه از سهل ترین طرق ارتباطی الکترونیکی میتوانیم با سازمانهای ذیربط در تماس شده معلومات لازم را رد و بدل سازیم. تا زمانی که حس اعتماد میان هر دو جناح ایجاد گردیده و تا موعد لازم آغاز همکاری جدی، آباد گردد. بدین ترتیب روابط کاری از یک سازمان آغاز گردیده آرام آرام با همه سازمان ها برقرار شده، بالاخره به یک نهاد قوی و با صلاحیتی مبدل میگردد.

سؤال: نقش کمپاین "تفکر، تحریر و عمل" در ارتباط با مسئله زنان را که شما خود یکی از گردانندگان فعال آن هستید. در روشنگری زنان و مردان افغان چگونه ارزیابی مینمائید.

پاسخ: کمپاین "تفکر، تحریر و عمل" یکی از بهترین طرُقِیست که تا اکنون در روشنگری زنان و مردان افغان طی گذشت یکسال با یک محصول شصت درصد مثبت، شناخته شده است. ما همه شاهد بودیم که براه اندازی این کمپاین با همکاری

یک تعداد کثیر زنان مدافع حقوق حقۀ زن افغان، در سراسر جهان و افغانستان با گرمی، شور و شغف خاصی استقبال شد و بدون شک از نتایج جمع آوری شده به وضاحت دریافتیم که زنان افغان خصوصاً زنان داخل کشور این اقدام را یک گام بسیار نیک، ارزنده و مفید خوانده از دوام همچو کمپاین ها با رضائیت تام پستی بانی شان را اعلام داشتند.

سؤال: آیا شما در تثبیت 8 جون به حیث "روز همبستگی زنان افغانستان" به حیث یک وجه مشترک مثبت بین آنها امیدوار هستید. و برای این امر چه باید کرد؟

پاسخ: من به این باورم که زن افغان امروز دیگر زن دیروز نیست، زن فردای انکشاف تکنالوجیست، من در یکی از اشعارم به نام «توانایی زن» چنین گفته ام:

خدا از طاقت من مخزن فولاد میخواهد

ز هر انگشت من یک تیشه فرهاد میخواهد

دگر «واهب» ندارد باوری بر این عدالت ها

خودش را با توان خود، ز بند آزاد میخواهد

امروز، دیگر زن افغان در کنار خودش توانایی اش را هم شناخته و موقفش را در قالب یک انسان و نقشش را در محوطه روابط در اجتماع درک کرده است. من، نه تنها بر این "تثبیت" خواهران و برادران هموطنم امیدوارم بل باور کامل دارم که این سه دهه خون و قتل و غارت آنچنان تجربه تلخ و زهرآگین بوده برای شان که در تثبیت و قبولی این روز هیچ نوع تردیدی در اذهان شان بروز نخواهد نمود. اینکه چگونه به این هدف نایل آمده میتوانیم، قبلاً در بالا جواب داده ام.

خانم صالحه و هاب، از اینکه به سوالاتم جواب دادید، از شما بینهایت متشکرم.

مصاحبه کننده: شیما غفوری